



دکتر مجید غیاث

علم بهتر است با ثروت

همه ما در دوران دبستان راجع به موضوع علم بهتر است یا ثروت انشا نوشته‌ایم. به جرئت می‌توان گفت، بدون استثنا اغلب در وصف علم و در نکوهش ثروت خطوط و صفحاتی نوشته و گاهی از بزرگترهای خود کمک گرفته‌ایم تا با گنجاندن چند جمله جدید و تا به حال نشنیده، به عنوان عباراتی برتر از جملات متداول و کلیشه‌ای، انشای ما بیشتر مورد توجه قرار گیرد. مسلماً همه ما از همان سنین می‌دانستیم که ثروت خوب است، ولی جسارت بیان آن را در کلاس درس نداشتیم. در این موضوع تمکن مالی مهم نبود و در واقع فقیر و غنی همیشه یک شعار سر می‌دادند.

اولین نقاط جدایی بین دانش و ثروت در این دوران شکل گرفت. این جدایی بخشی از سرشت شخصیتی ما شد، به نحوی که اگر در مسیر دانش‌اندوزی و ادامه تحصیل گام برمی‌داشتیم، باید بار یک زندگی سخت و حتی فقیرانه را بردوش می‌کشیدیم. از آن سو، برخی از دوستان که به دنبال کسب ثروت بودند، آن چنان با مقوله علم و دانش فاصله گرفتند که حتی توان یا جرئت خواندن یک کتاب یا روزنامه را هم نداشتند. در عرف جامعه ما گفته می‌شد که کاسب حبیب خداست. کاسب کسی نبود، جز واسطه‌ای که نقش تبادل کالا از تولید کننده به مصرف کننده را ایفا می‌کرد یا صنعتگر خرده‌پای محلی که نیازهای روزانه و بیشتر تعمیراتی داشت. کارگر یا کشاورز که در فرایند مستقیم تولید نقش داشتند، جزو محرومترین اقشار بودند.

از دوران صفویه به بعد و با شروع دوران شکوفایی صنعتی اروپا، تقریباً پیشرفت محسوسی در زمینه‌های صنعتی و تولیدی نداشته‌ایم. دوران قجری با عقب ماندگی گذشت و در دوران گذشته نیز با تکیه بر درآمدهای هنگفت نفتی و با وجود کم‌لطفی‌های قدرت‌های اقتصادی بزرگ، صرفاً وارد کننده بعضی از صنایع بوده‌ایم. پس از انقلاب و با وجود شعار خودکفایی، غیر از دوره کوتاه بروز توانمندی‌های داخلی در بسیاری از زمینه‌های تولید سنتی و صنعتی در دوران بحران اقتصادی، باز به علت برتری داشتن نگرش راحت‌طلبانه اقتصاد متکی به نفت و امتیازات بی‌حد و حصر وابسته به دلارهای نفتی و خریدهای شیرین خارجی، فرایند تولید داخلی با کم‌لطفی‌های سیستم دولتی، بانکی و قانون‌گذاری روبه‌رو شده است، به نحوی که جهش نرخ ارز آثار وابستگی اقتصادی را حتی در آب آشامیدنی نشان داد. این در حالی است که کشورهای صنعتی با برنامه‌ریزی‌های مشخص و واقع‌بینانه توانسته‌اند بر مبنای تولید ملی به نوعی از پایداری اقتصادی برسند که به آسانی می‌توانند با بحران‌های اقتصادی مقابله کنند.

امروز برای رشد اقتصادی، نیازی به اختراع مجدد چرخ یا نسخه پیچی‌های غیر تخصصی آمرانه نیست. اقتصاد، مدیریت، رشد صنعت و فناوری مانند سایر علوم و دانش‌ها دارای فرمول‌ها، روابط و توابع مخصوص به خود است که نادیده گرفتن آنها باعث بروز فجایعی مانند چهارصد برابر شدن نرخ ارز می‌شود.

با توجه به تجربه موفق رشد علمی کشور در تولید علم در سالیان گذشته که به همت جامعه علمی کشور میسر شد و با توجه به شرایط تحریم و مشکلات اقتصادی، اکنون حرکت به سمت خودکفایی اقتصادی با عنوان تولید ثروت از دانش و تشکیل شرکت‌های دانش‌بنیان سخن روز است. با وجود جذاب بودن و درست بودن این شعار، عدم برنامه‌ریزی صحیح و واقع‌بینانه در این زمینه سرنوشتی مشابه طرح‌ها و برنامه‌های قبلی را در پی خواهد داشت. برای حرکت در این مسیر مبارک، باید ضمن الگوبرداری از کشورهایی که قبلاً این مسیر را طی کرده‌اند، تغییرات ساختاری در سیستم‌های اقتصادی، بانکی و حقوقی کشور در جهت تقویت پژوهش انجام گیرد.

حمایت از تولیدکننده داخلی در برابر واردات، تغییر نگرش به مقوله هزینه‌بر پژوهش از طرف دولت و صنعت و جدی گرفتن آن، حمایت قانونی از مقوله مالکیت فکری، الزام صنایع بزرگ برای برطرف کردن نیازهای خود ترجیحاً از داخل کشور، ملزم ساختن واحدهای صنعتی و واحدهای جدید به بهره‌گیری و ارتباط با مراکز پژوهشی و پژوهشگران مستقل، ایجاد نظام مهندسی به‌ویژه برای مهندسان شیمی و پلیمر که حدود یک سوم بازار کار کشور را شامل می‌شوند، گسترش واحدهای تغذیه کننده صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و... از جمله اقداماتی است که باید در این راه به آنها توجه جدی داشت. به یاد داشته باشیم، ما اولین رونندگان این مسیر نیستیم، کسانی سال‌ها پیش از ما علم تولید کرده‌اند با ثروت.